

پاشنه آشیل سازمان ملل

هارون یحیی

جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول بمنظور پیشگیری از تکرار خسوف خرد در میان ملت ها و آغاز جنگی دیگر شکل گرفت. طبق بند ۲۲ اساس نامه جامعه ملل، حق انتصاب قیم برای کشورهای مجاز بود که بعد از جنگ جهانی اول استقلال یافته اما توانایی حکومت بر خود را نداشتند. بدین ترتیب، این کشورها می بایست تا زمان قدرت گرفتن مردم برای حکومت بر خود توسط قیم اداره می شدند. در واقع این اقدام به ظاهر خیرخواهانه رسماً نخستین گام قانونی برای استثمار کشورهای ضعیف بود.

تنها نوزده سال طول کشید تا ناکارآمدی و شکست جامعه ملل بر همگان مشخص شود. بروز جنگ جهانی دوم بین کشورها با هدف سیطره بر قلمرو های بیشتر نه تنها باعث فروپاشی جامعه ملل شد بلکه اشتباه بودن سیاست های اتخاذ شده توسط این سازمان را به اثبات رساند. بعد از جنگ جهانی دوم که بیش از پنجاه و سه میلیون نفر را به کام مرگ فرستاد، نیاز به ایجاد یک اتحادیه، قویتر احساس می شد و بر همین اساس سازمان ملل تاسیس گردید.

البته متحد ساختن ملت ها زیر یک سقف به نام صلح همواره امری قابل ستایش بوده است. چنین اتحادی از خسوف خرد در بین ملت ها جلوگیری کرده و در عین حال کشورها را درون یک چارچوب قانونی نگه داشته و آنها را ملزم به پیروی از آن قوانین می کند.

اما نهادی چون سازمان ملل نباید در اجرای موفق وظایف خود قربانی دیوانسالاری بیهوده و غیر ضروری شود. امروز وجود خطوط قرمز، تصمیمات فاقد ضمانت اجرایی، جنگ های ناتمام و اتهامات شرمسارانه مانع آن شده است که این سازمان بتواند مأموریت های خود به نحو احسن را انجام دهد. گرچه تاسیس این نهاد بین المللی نقش مهمی در جلوگیری از بروز جنگ جهانی سوم

ایفا کرده است اما دنیا اکنون در آتش جنگ و وحشت جنگ های منطقه ای می سوزد.

شورای امنیت سازمان ملل سرانجام پس از نه سال توانست در سپتامبر امسال ارتش میانمار را محکوم کند. اما این محکومیت هیچ گونه راه حلی برای مسلمانان آراکان ارائه نداده و کشت و کشتار در این منطقه را متوقف نساخته است. چنین شرایطی برای یک نهاد بین المللی که با هدف استمرار صلح جهانی تاسیس شده بسیار اسفناک است.

رهبران صد و نود و سه کشور عضو سازمان ملل با گردهمایی در هفتاد و دومین اجلاس مجمع عمومی این سازمان، خواستار اعمال اصلاحات ساختاری در آن شدند چراکه این سازمان که در سال ۱۹۴۵ تاسیس شده دیگر پاسخگوی نیازهای جهان امروزی نیست. علیرغم افزایش صد و چهل درصدی بودجه سازمان ملل و نیز افزایش تقریباً دو برابری کارمندان آن از سال ۲۰۰۰ تا کنون این نهاد بین المللی به دلیل دیوانسالاری و سوء مدیریت نتوانسته در سالیان اخیر موفق ظاهر شود.

دبیر کل سازمان ملل آنتونی گوترش بطور خلاصه وضعیت کنونی سازمان ملل را اینگونه توصیف کرد: "تنها چیزی که باعث نگرانی عمیق من شده دیوانسالاری (حاکم بر این سازمان) است". رئیس جمهوری ترکیه رجب طیب اردوغان نیاز به اصلاح ساختار سازمان ملل را به شرح زیر خواستار شد: پیشنهاد ما این است که شورای امنیت از بیست عضو به نمایندگی از بیست کشور با همان اختیارات و حقوق قبلی تشکیل شود. دوران پس از جنگ جهانی دوم به سر آمده است. ما امیدواریم سازمان ملل که اعضای همه کشورهای دنیا در آن حاضر هستند وجدان بیدار بشریت باشد. همچنین رئیس جمهور برزیل: میشل تامر نیز خواستار گسترش شورای امنیت سازمان ملل شد و اظهار داشت: امروز ما از هر زمان دیگری به سازمان ملل نیازمندیم. اما هنوز هم اصلاحات ضروری است."

در حالیکه حق وتوی پنج عضو دائم شورای امنیت مانع هرگونه تصمیم‌گیری سرنوشت‌ساز در مورد جنگ‌های مختلف در سراسر دنیا شده است شرایط تاسیس این سازمان یا به عبارتی خود دیوانسالاری این نهاد اجازه هرگونه اصلاح و تغییر را نمی‌دهد. پناهندگان تنها یک نمونه از مشکلات بزرگی هستند که سازمان ملل نتوانسته است راه‌حلی برای آن ارائه دهد. در حالیکه برخی رهبران کشورها فقط از کشورهای پناهنده‌پذیر همچون ترکیه و لبنان قدردانی کرده‌اند نتوانسته‌اند اقدامی در مورد ناتوانی سازمان ملل انجام دهند.

برخی اتهامات شرم‌آور و نگران‌کننده در مورد نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در سالیان گذشته باعث شده تا اعتبار اقدامات انسان‌دوستانه این سازمان زیر سوال برود. به منظور جلوگیری از تجاوز جنسی به زنان و کودکان توسط نظامیان و غیرنظامیان نیروهای حافظ صلح این سازمان در جلسه‌ای که در سپتامبر گذشته به پیشنهاد سوئد برگزار شد هفتاد و پنج کشور قراردادی را امضا کردند.

در دنیای معاصر ما که با خطر مداوم جنگ و وحشت مواجه است شاید کشورهایی که اسیر قانون‌های دست و پاگیر خود شده‌اند جزو ضعیف‌ترین کشورها به حساب آیند. اینکه امید می‌رفت تا سازمان ملل راه‌گشای مشکلات فعلی جهان باشد در دیوانسالاری حاکم بر آن به بن‌بست رسیده و کشورهایایی که خواستار ایجاد اصلاحات در آن هستند و نمی‌توانند گامی در این راستا بردارند قطعاً مشکلی بزرگ است. درست همانگونه که قانون اساسی دولت - ملت‌ها با توجه به شرایط تاریخی و کنونی آنها شکل و تکامل یافته است بر همین منوال نیز لازم است منشور سازمان ملل اصلاح شود. لغو حق وتو، احترام گذاشتن به تصمیم دولت‌های منطقه‌ای در حل مسائل خود و نیز اتخاذ تدابیر به موقع و مؤثر در مواردی مربوط به نسل‌کشی از جمله اصلاحات فوری است که باید در منشور سازمان ملل صورت‌پذیرد. علاوه بر این، از دیگر موارد لازم، اتخاذ راه‌حلی برای جلوگیری از بروز جنایت‌هایی هولناکی است که باعث بدنامی این سازمان می‌شود. همچنین لازم است که نیروهای حافظ صلح سازمان ملل آموزش‌های تخصصی دیده و به آنها هشدار داده شود که در صورت تخطی

مجازات خواهند شد.

انتظار جهانیان از سازمان ملل این است که حافظ صلح جهانی باشد. اگرچه وجود چنین سازمانی مغتنم است اما این وظیفه ماست که به نحوی اثربخش آنرا اصلاح کنیم.

<https://farsi.alarabiya.net/views/2017/11/04/%D9%BE%D8%A7%D8%B4%D9%86%D9%87-%D8%A2%D8%B4%DB%8C%D9%84-%D8%B3%D8%A7%D8%B2%D9%85%D8%A7%D9%86-%D9%85%D9%84%D9%84>

https://www.harunyahya.info/makaleler/birlesmis-milletlerin-boyun-bagini-gevsetmek-96969_9088